

نامدار شاهمرادی

گزارش یک پژوهش در زمینه مشکلات دانش آموزان دبیرستانی



زندگی خانوادگی و محیط‌های آموزشی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی بسیاری از افراد جامعه چنان است که دستیابی فرزندان آنها را به حداکثر رشد و بالندگی دشوار یا غیرممکن می‌سازد.

”شناخت درد علم است، قبول درد واقع‌گرایی است و درمان درد هنر است.“
شعاری نژاد

متوسطه) سبب سردرگمی و گیجی خود آنان نیز شده است. یعنی ماهیت واقعی مشکلات برای خود دانش‌آموزان هم ناشناخته مانده است. لذا بسیاری از دانش‌آموزان نوجوان در حالتی به موقعیت مشاوره وارد می‌شوند که نمی‌دانند چه مشکلی دارند. جمله‌ها و عباراتی که از احساس اضطراب، افکار مشوش یا حالت افسردگی عمومی حکایت می‌کنند، نمی‌توانند به طور مشخص محدوده مشکل را مشخص سازند. بنابراین می‌توان با سنجش و ارزیابی مشکلات آنان به روشن شدن ماهیت مشکلاتشان کمک کرد و از این سنجش به عنوان ابزار و مقدمه‌ای در مشاوره بهره جست.

به هر حال با توجه به لزوم شناخت مشکلات دانش‌آموزان، پژوهشی که درصدد بیان یافته‌های آن خواهیم بود بر روی ۱۲۰۰ نفر دانش‌آموز دوره متوسطه و مراکز پیش‌دانشگاهی (۶۱۴ دختر و ۵۸۶ پسر) شهرستان‌های استان تهران انجام شده است. این پژوهش با هدف شناسایی نوع و فراوانی مشکلات دانش‌آموزان و رابطه این مشکلات با برخی متغیرهای دیگر مانند جنسیت آنان به عمل آمد.

ابزار پژوهش با عنوان "سیاهه مشکلات مونی" با ۱۷۳ ماده (آیتم) حیطه‌های یازده‌گانه مشکلات شامل: سلامت و رشد جسمی، وضعیت مالی و شرایط زیستی، فعالیت‌های اجتماعی - تفریحی، ارتباطات اجتماعی - روان‌شناختی، ارتباطات شخصی - روان‌شناختی، مسائل خانه و خانواده، مسائل اخلاقی و مذهبی، آینده شغلی و تحصیلی، روند برنامه درسی و آموزشی و سازگاری با امور مدرسه را ارزیابی می‌کند. پایایی و روایی

محدودیت‌های محیط زندگی گروهی از کودکان و نوجوانان چنان زیاد است که بقای آنان نیز نامیستر می‌شود. برای نمونه، در جهان کنونی ما، در هر نفس نزدیک به بیست کودک بر اثر فقر و بیماری جان می‌سپارند. به بیان دیگر، در دنیای امروز، طبق آمار سازمان یونسکو در هر ثانیه پنج کودک به سبب گرسنگی و بیماری جان خود را از کف می‌دهند (نلسون، ترجمه طوسی، ۱۳۷۱).

بی شک مشکلات کودکان و نوجوانان نتیجه اجتناب‌ناپذیر فقر، بیماری، جهل، بدرفتاری و نابسامانی‌های خانوادگی، کاستی‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر آینده کشور و جامعه، بلکه آینده جهان بر دوش کودکان، نوجوانان و جوانان پایدار است. لذا شناخت هر چه بیش‌تر این گروه‌ها، در سایه انجام تحقیقات و پژوهش‌های علمی ضروری به نظر می‌رسد. مسئله اصلی و مهم برای اولیای خانه و مدرسه که با دانش‌آموزان سروکار دارند این است که نیازهای عام و خاص و مشکلات دانش‌آموزان را به درستی بشناسند و پس از این شناخت با شیوه‌های علمی و مشروع درصدد ارضای نیازها و رفع مشکلات آنان برآیند. متأسفانه تاکنون در زمینه شناخت مشکلاتی که دانش‌آموزان ما را رنج می‌دهد کار چندانی صورت نگرفته است. به همین سبب تا زمانی که نوع و فراوانی مشکلات دانش‌آموزان دقیقاً مشخص نشوند، نه والدین و نه مسئولان آموزش و پرورش نخواهند توانست برنامه‌ریزی‌هایی در زمینه پیش‌گیری از مشکلات و رفع آن‌ها به عمل آورند.

عدم شناخت از وضعیت مشکلات دانش‌آموزان (به ویژه در دوره آموزش



این ابزار نیز با اجرای آزمایشی و نظر متخصصان امر مورد تأیید قرار گرفت.

قبل از بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری از پژوهش، توجه به این نکته ضروری است که ابزار سنجش و ارزیابی مشکلات دانش‌آموزان در این پژوهش آزمون‌های روانی نبوده، بلکه سیاهه‌ای (چک لیستی) در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفته است. به کمک این سیاهه دانش‌آموزان مسائل و مشکلاتی را که به عنوان موضوع نگران‌کننده برایشان مطرح بود انتخاب کرده، آن را در سیاهه مشخص کردند. لذا یافته‌های پژوهش انعکاس مشکلاتی است که خود دانش‌آموزان احساس می‌کنند این مشکلات آن‌ها را رنج می‌دهد و برایشان نگران‌کننده است.

نتایج بررسی تک تک ۱۷۳ ماده مشکلاتی که دانش‌آموزان را بیش‌تر رنج می‌دهد نشان داد

که ماده‌هایی از قبیل ترس از نداشتن شغل در آینده، آرزوی هرگز به دنیا نیامدن، ناتوانی در فراموشی اشتباهات گذشته، ترس از قبول نشدن در دانشگاه، خسته کننده بودن کلاس‌های درس، نگرانی درباره نمره‌های درسی، منصفانه نبودن سؤال‌های درسی و نداشتن تمرکز در هنگام مطالعه دارای بیش‌ترین درصد ابتلا در دانش‌آموزان است. به نحوی که هر کدام از ماده‌های فوق را بیش از ۴۰ درصد دانش‌آموزان جزء مشکلاتی دانسته‌اند که رنجشان می‌دهد. مواد ۱۷۳ گانه مربوط به سیاهه در قالب حیطه‌های یازده گانه مشکلات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشکلات مربوط به آینده تحصیلی - شغلی با ابتلای ۳۳ درصدی، دارای بیش‌ترین فراوانی نسبت به سایر حوزه‌های مشکلات دانش‌آموزان است.

یافته فوق یعنی نگرانی ۳۳ درصد از



خدماتی اقدام کنند. به نحوی که دانش‌آموزان با داشتن دورنما و تصویری روشن از آینده بتوانند به تحصیل در رشته‌های مورد علاقه خود پرداخته، نسبت به آینده با امیدواری بیشتری فکر کنند.

درصد ابتلا به حوزه‌های دیگر مشکلات به ترتیب: مشکلات مربوط به روند برنامه درسی و تحصیلی با ۲۸ درصد، مسائل اخلاقی و دینی ۲۷ درصد، مشکلات مربوط به سازگاری دانش‌آموزان با امور مدرسه ۲۳ درصد، مشکلات مربوط به فعالیت‌های اجتماعی - تفریحی ۲۲ درصد، مشکلات حوزه ارتباطات شخصی - روان‌شناختی ۲۲ درصد، مشکلات حوزه ارتباطات اجتماعی - روان‌شناختی ۱۹ درصد، مشکلات مربوط به وضعیت مالی و شرایط زیستی با ۱۵ درصد، مشکلات مربوط به حوزه سلامت و رشد جسمی با ۱۳ درصد و مسائل مربوط به حوزه خانه و خانواده با ۱۱ درصد ابتلا در دانش‌آموزان دیده شد.

دانش‌آموزان دبیرستانی و مراکز پیش‌دانشگاهی در مورد آینده تحصیلی و شغلی‌شان را شاید بتوان انعکاسی از واقعیت‌های موجود در جامعه دانست. زیرا سالانه چندین برابر میزان ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، داوطلب شرکت‌کننده در کنکور سراسری را شاهد هستیم که از این عده درصد کمی موفق به ورود به دانشگاه می‌شوند. در زمینه اشتغال نیز همین وضعیت را داریم، کما این که برای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هم مشکل وجود دارد.

نگرانی عده زیادی از دانش‌آموزان از وضعیت آینده تحصیلی‌شان ممکن است ناشی از بحران هویتی باشد که در این سن برای دانش‌آموزان وجود دارد. به هر صورت، این امر زنگ خطری برای مسئولان جامعه است تا در خصوص اجرای یک برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف دانشگاهی، صنعتی، کشاورزی و

تحقیقات مشابه در سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که فراوانی و ترتیب مشکلات نوجوانان دانش‌آموز در آن کشورها با یافته فوق در پژوهش مورد نظر ما متفاوت است. زیرا عوامل و شرایط به وجود آورنده مشکلات در کشورهای مختلف، یکسان نیست. بنابراین طبیعی است که فراوانی و ترتیب مشکلات نوجوان ایرانی با نوجوانان سایر کشورها تفاوت داشته باشد.

این یافته‌ها کمک می‌کنند تا شایع‌ترین مشکلات دانش‌آموزان را به عنوان یک زیر بنا، در تحولات جدید و بازنگری در برنامه‌ریزی تحصیلی، یا فعالیت‌های فوق برنامه راهنمایی در مدرسه مدنظر قرار گیرند.

لازم است مسئولان آموزش و پرورش و مشاوران مدارس با عنایت به این بخش از پژوهش، خدمات مشاوره‌ای خود را بسیج کرده، برنامه‌های خود را براساس رفع این مشکلات طراحی کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر با واقع‌نگری تصویری روشن از مشکلاتی که دانش‌آموزان را آزار می‌دهند، ارائه داده است. اجرای طرح‌ها و برنامه‌های هوشمندانه بعدی بر عهده نظام آموزش و پرورش و سایر مسئولان جامعه است که امیدواریم بازخوردی واقع‌گرایانه‌تر و هنرمندانه‌تر داشته باشند.

میزان شیوع مشکلات دانش‌آموزان دختر در اکثر حیطه‌هایی که ذکر گردید و در مجموع آن‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از مشکلات دانش‌آموزان پسر بود. میزان شیوع بالای مشکلات در نزد دختران (و نیز میزان بالای مراجعان مؤنث به مراکز راهنمایی و مشاوره کشور) را شاید بتوان ناشی از علل زیر دانست:

- دختران و زنان به سرنوشت خود حساسیت بیش‌تری دارند، نسبت به رفع مشکلات خود بیش‌تر فکر می‌کنند و مشکلات خود را با دیگران در میان می‌گذارند.

- در بیش‌تر مواقع معلمان و اولیای دختران نسبت به آن‌ها تاب تحمل کم‌تری دارند.

- برخی از دختران و زنان زیر بار ستم بزرگ‌ترها و همسران خود قرار دارند.

- تحمل ناراحتی‌ها و مشکلات برای جنس مؤنث دشوارتر است و به همین سبب هر چه سریع‌تر مشکلات خود را بیان می‌کند.

البته در پژوهش انجام شده ما در صدد یافتن علل کم یا زیاد بودن فراوانی مشکلات در بین دانش‌آموزان دختر و پسر نبودیم، بلکه صرفاً هدف توصیف میزان شیوع مشکلات بود. یافته‌ها نشان داد که در اکثر حوزه‌ها، فراوانی مشکلات دختران بیش‌تر است. آن چه در مورد علل این امر بیان شد فقط نتیجه مطالعه و تحقیقات به عمل آمده در گذشته است، نه این که از نتایج این پژوهش استنباط شده باشد.

منابع:

- جمالی‌فر، محمد علی و شاهمرادی، نامدار: بررسی نوع و فراوانی مشکلات دانش‌آموزان دوره متوسطه، شورای تحقیقات شهرستان‌های استان تهران، ۱۳۷۹.

- نلسون، ریتا و ایزرائیل، الن سی: اختلال‌های رفتاری کودکان، ترجمه امان‌الله منشی طوسی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.